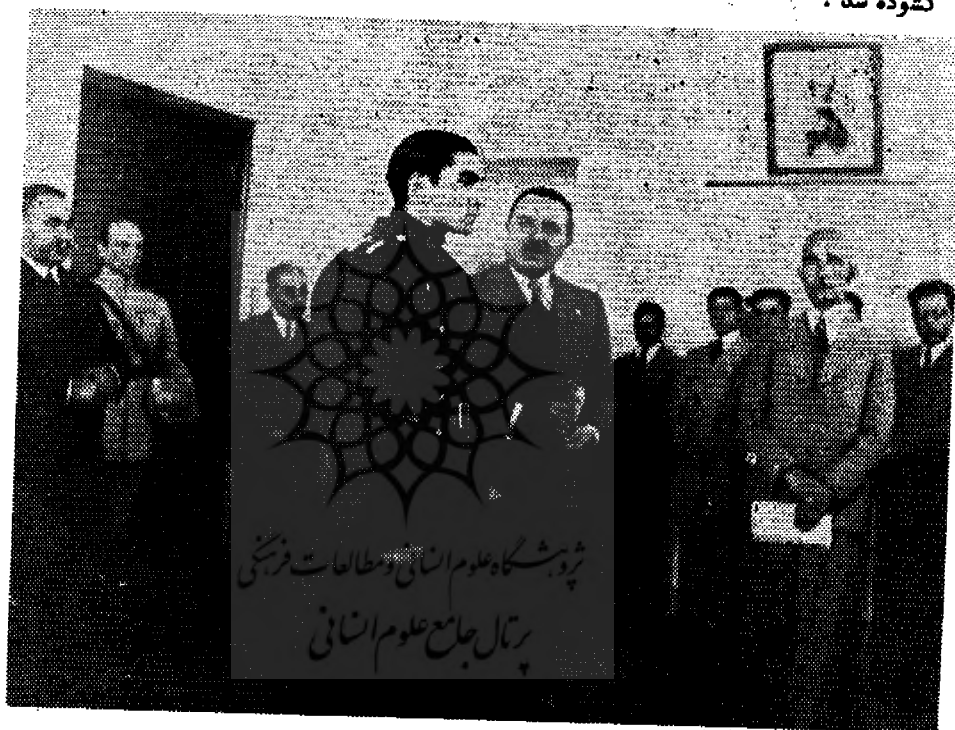


علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه

سوم اسفند ۱۳۱۳

روز دوشنبه سوم اسفند ماه ۱۳۱۳ ش در زندگی بنده نویسنده تأثیری اساسی داشت و از آن روز مسیر عمر در روشی نوین قرار گرفت و در کتاب حیات و رقی تازه گشوده شد.



والاحضرت ولیعهد در ورزشگاه امجدیه، آقای علی اصغر حکمت بحضور ولیعهد گزارش میدهند. در گوشهٔ عکس آقای محمودجم دیده میشود.

یکساعت به غروب همان روز شاهنشاه پهلوی کبیر در میدان اسب ریس جلالیه (که اکنون محل پارک فرح است) در حضور درجال و صاحب‌منصبان کشوری و لشکری این بنده ضعیف را

مورد مرحمت قرار داده و به لطف و عنایت دست او را فشرده و سپس با کمال مرحمت به آقای فروغی رئیس الوزراء فرمودند : « من در نظر داشتم که فلانی را در روز عید نوروز ترفیع دهم ولی باید همین امروز از مقام کفالت بدرجه وزارت معارف منصوب شود . این امر اجرا شد و از آن روز تا چهارشنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۱۷ در این منصب برقرار بودم و مدتی قریب بیچاره سال بخدماتی پرافتخار موفق گشتم . علت این ابراز مکرمت همانا پاداش خدمتی بود که در طول سال ۱۳۱۳ درباره امر تربیت بدنی و پرورش جسمانی نوپا و گان کشور و نونهالان بوستان وطن انجام داده بودم .

* * *

سابقه ورزش و فنون پهلوانی و هنرهای جسمانی در کشور ما تاریخی طولانی و ریشه عمیق دارد .

مردم ایران در کار رزم آوری و اسب تاختن و شکار انداختن و کشتی گیری و شمشیر بازی و تیراندازی سابقه سه هزار ساله دارند و شاهنامه که بزرگترین تاریخ و حماسه ملی است همه جا از تربیت شاهزادگان و آموختن جوانان به خصائل پهلوانی حکایت می کند . مظهر این خاصیت جلی ایرانیان در طبقات عامه بنیاد « زورخانه هاست » که بر آورده طبع هنر آفرین مردم وطن ما می باشد در آنجا افراد زورمند و ورزشکار بسبب فطری خود تمرین و ممارست کرده و می کنند و در حقیقت زور خانه های عدیده که در شهرها و در طایفه های کوچکی و خنم تأسیس می شد مدارسی بود که جسم جوانان را پرورش می داد . در دوره تاریخ اسلامی آئین مقدس ایرانیان مسابقه اسب تازی و تیراندازی را سبق و رمایه « جزه فروغ دین قرار داده است .

این فضیلت و هنر همواره در این مرز و بوم برقرار و جاری بود تا در اوایل قرن چهاردهم هجری ۱۳۱۷ ق . که آموزشگاههای نوین به سبک و سیستم ممالک فرنگستان در ایران نیز تأسیس شد که از صدر مشروطیت تا کنون رو با افزایش و توسعه است . در این مراکز که به سیستم دسته جمعی کودکان و جوانان را تعلیم و تربیت می نماید هم عنان آموزش علمی و پرورش عقلی لازم دانستند که تربیت جسمانی و مشق بدنی را نیز جزه برنامه خود قرار دهند .

وزارت معارف در ۱۳۳۰ ق . رسماً مقرر داشت که در مدرسه دارالفنون (دبیرستان فملی) ژیمناستیک و تمرین بدنی معمول شود و دانش آموزان در حیاط وسیع مدرسه نظام (شمالی دارالفنون) همه روزه ساعتی معین به تمرین و مشق پردازند . در این زمان جوانی پر حرارت و کاردان به نام میر مهدی خان ورزنده که اصلاً از سادات شبستر آذربایجان بود و در مدرسه دارالمعلمین ورزش دربر و کسل در این رشته مخصوص تعلیم یافته

بظهران آمد . وزیر معارف وقت مرحوم ابراهیم حکیم الملک او را بسمت معلمی ورزش استخدام کرد . وی را درحقیقت « پدروزش ایران » باید نام داد .

دائره شوق و رغبت عموم به تربیت جسمانی در طبقه جوان روز افزون توسعه می یافت ده سال بعد یعنی در ۱۳۴۰ ق جمعی از معارف خواهان انجمنی بنام « هیئت مروجین ورزش » ، تشکیل دادند که شادروان ابراهیم حکیمی وحسین علاء وعلی اکبر داوود دوست ارجمند من دکتر عیسی صدیق وچند تن دیگر از اعضا وکارمندان پرحرارت ووزارت معارف با این بنده به کارمندی آن انجمن مفتخر شدیم . در نزد این گروه دانش پژوه ایمان قلبی و اعتقاد راسخ به تربیت جسمانی در دلهای مصمم ایشان اصلی استوار بود و آنرا یکی از وظائف ملی وشعائر وطن پرستی می دانستند . این انجمن مسابقات ورزشی و بازیهای پهلوانی و اسپورتهای گوناگون مانند فوتبال و والیبال و بسکتبال و مسابقه دو میدانی و شناوری را پیوسته معمول می داشت .

ولی این اقدامات جسته و گریخته که بطور انفرادی و برحسب ذوق شخصی افراد انجام می گرفت برای يك بنیاد وسیع عمومی که شامل تمام طبقه و نسل جوان گردد کافی نبود و می بایستی يك عمل منظم دامنه دار و مطابق سیستم مرتب در تمام کشور انجام گیرد که فیض آن همه افراد جوان را فرا گرفته و بالاخره ملت را از حال رکود و خمود بیرون آورد .

در این هنگام که این اشتیاق عمومی باوج شدت خود رسید کوب درخشان سلطنت پهلوی از افق مجد و سعادت ایران در اسفند ۱۲۹۹ ش طلوع نمود و تاریخ عصر تمدن نوین ایران آغاز گشت .

* * *

از مآثر پر افتخار این دوره با برکت آرزوی دیرین علاقه مندان به ورزش و تربیت بدنی بر آورده شد .

آن شاهنشاه بزرگ که با جسمی سالم و با قریحه فروزان خود سربازی ورزیده بود از بدو زمام داری به این نقطه حیاتی توجه خاص مبذول می فرمود .

در مهر ماه ۱۳۱۳ هنگامی که از سفر طوس از طریق گرگان به مازندران عزیمت فرموده و این بنده افتخار ملازمت داشتم شبی که در گنبد قایوس اقامت فرموده بودند من را احضار نموده و مدتی در فضای آزاد قدم می زدند و از این بنده سئوالاتی در باب برنامه کار خود در وزارت معارف می فرمودند از جمله صحبت ورزش و تربیت بدنی جوانان دانش آموز بمیان آمد در این موقع ایستاده بعد از لحظه ای تأمل فرمودند در این کار مخصوصاً هر چه بیشتر اقدام کنید .



نویسنده موقع راغنیمت
شمرده و از همان موقع
برنامه دقیقی برای خود
در این رشته پیش گرفتیم:
اول - برای آنکه کار
ورزش از دائره تشریفات
و مقررات اداری خارج باشد
و جنبه مستقل ملی حاصل
کند بهمان انجمن تربیت
بدنی متوسل گشتم و آن
انجمن خدمتگزار هم دست
ارادت منرا بحسن قبول
گرفته و بیادای ومددکاری
بر خاستند . دوم- برای
آنکه راهنما ومدیری کار
آزموده و «متخصص» در
خدمت خود داشته باشیم -
از کشور آمریکا یکنفر
مربی و متخصص فنون
ورزشی ومخصوصاً مطلع
از سازمان پیش آهنکی
بنام «مستر گیبسون»
استخدام نمودیم که همان
سال بایران آمده و جمعی
از جوانان باهوش و
خوش قریحه وجدی که
از آن جمله دکتر امیر
بیرجندی و دکتر حسین
بنائی که هم اکنون از
رجال بنام و خدمتگزار
کشورند گرد خود جمع
کرده شروع بسازمانهای
منظم ورزشی نمودند .

ا) و تیزم **Scoutism** سازمانی بود که بعد از جنگ ترانسوال (افریقای جنوبی) در سال ۱۹۰۳ م در انگلستان بوجود آمد یکی از ژنرالهای آن جنگ بنام لرد بادن پاول **Lord Baden Pawell** بهوش و قریحه خدادادی خود برای جوانان سازمانی شبیه به اردوهای نظامی ولی بر پایه تعالیم اصول اخلاقی و کسب مکارم انسانی به وجود آورد و سپس دامنه آن از ممالک آنکلو ساکسون تجاوز کرده در سراسر جهان متمدن بنامها و اسامی گوناگون ولی بر روی اصول واحد تشکیل گردید .

بعد از جنگ اول جهانی که دنیا آرامشی حاصل کرد، ندای دعوت اسکوتیزم بایران رسید جوانی هوشمند و فعال بنام احمد امین زاده به تهران آمده عین آن سازمان را تشکیل داد ولی از هر طرف با مقاومت عناصر ارتجاعی و محافظه کار مواجه شده دوام و استقراری حاصل نکرد . در همان ایام این بنده نویسنده برای کلمه اسکوتیزم واژه پارسی و پیش آهنگی را پیشنهاد نمودم که تا حدی برابر با لغت پانیر **Pionnier** فرانسوی و بسوی اسکوت **Boy Scout** انگلیسی است (رجوع شود به مجله رسمی تعلیم و تربیت دوره اول سال ۱۳۰۴) خوشبختانه این ترجمه موقع قبول یافته و تا امروز زبانه زد فارسی زبانان است . در سال ۱۳۱۳ م ربیان ورزش مجددا سازمان پیش آهنگی را تجدید کرده و جوخه کوچکی از جوانان داوطلب دبستانها و دبیرستانها تشکیل دادند که اولین پیش آهنگ این قافله مبارک شمرده می شوند .

* * *



دختران پیش آهنگ
در حال ورزش

اقدام دیگری که از طرف وزارت معارف در پیروی از امر شاهنشاه بعمل آمد تأسیس کلوبهای ورزشی و مخصوصاً بازیهای پهلوانی مانند فوتبال و غیره بود. برای این کار در شهر پایتخت چهار زمین وسیع در چهار نقطه شهر شمال (اراضی باغ امجدیه)، شرق (اراضی اکبر آباد دولاب) غرب (اراضی پشت باغشاه) جنوب: (اراضی معروف به باغ فردوس نزدیک بیمارستان شیروخورشید سرخ) خریداری و بنام وزارت معارف قباله شد که هنوز موجود است بدین ترتیب میدانهای نسبتاً وسیع در چهار نقطه شهر بوجود آمد که دانش آموزان مدارس هر کدام در ناحیه خود به آنجا رفته به تمرین و ممارست مشقهای بدنی پرداختند. از این میدانها آنکه از همه وسیع تر بود بیرون دروازه دولت معروف به باغ امجدیه بود که بمساحت ۲۱ هزار ذرع مربع از مرحوم حاجی مخبرالسلطنه هدایت از قرار ذری سه قران خریداری شد.



وظیفه پیش آهنگان کمک و امداد است سال ۱۳۱۴ و ۱۳۵۹ در این مورد مشابه است

در اوایل سال ۱۳۱۴ در میدان ورزش امجدیه طرح بنای یک ورزشگاه عمومی استادیوم Stadium ریخته شد و بر طبق نقشه مسیو سیرو مهندس فرانسوی آغاز گردید که جایگاههای مدرج گرداگرد آن محوطه گنجایش ۱۵ هزار نفر تماشاچی را داشت. در پائیز آن سال وقتی که دیوارهای آن ورزشگاه بالا رفته و نقشه آن نمودار می شد شاهنشاه شبی در جلسه هیئت وزرا از وزیر معارف سؤال کردند: «ایسن قلعه مدور که در بیرون دروازه دولت می سازید برای چیست؟» وی در پاسخ عرض کرد این ورزشگاهی است عمومی که بسبب استادیوم های فرنگستان ساخته می شود و در آنجا جوانان زور آزمائی

و هنر نمائی می‌کنند. فردای آن شب شاهنشاه بدون اطلاع قبلی شخصا به آنجا رفته و آن بنا را دقیقاً بازدید فرمودند و آن بنا را پسندیده و در خاطر خطیرشان موقع قبول یافت و به وزارت کشور امر فرمودند بشهرداریهای ولایات دستور دهند که در همه شهرستانها همچنان ورزشگاهی بنا نمایند.

در آن اوان که به تشویق شخص شاهنشاه در کار ورزش اهر جانب جنب وجوشی پدید آمده بود. برای اینکه از حماسه ملی شاهنامه بیتی انتخاب شود که شمار کار و دستور عمل ورزشکاران باشد، مرحوم علی اکبر دهخدا این بیت را برگزیده پیشنهاد کرد:

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کجی زاید و کاستی

این شعار را شورای عالی معارف تصویب کرد همانطور که چندی قبل شعار عمومی معارف را از فردوسی تصویب کرده بودند: «توانا بود هر که دانا بود» این بیت انتخابی در شاهنامه جهت ساختمان ورزشگاه امجدیه بخط نستعلیق زیبا کتیبه شد که هم اکنون برقرار است.

دیگر از لطایف و زیبایی هائی که در آن ساختمان بکار رفت نصب يك صحنه پهلوانی: رزم رستم بادیو سفید بود که از داستانهای معروف شاهنامه است. این صحنه را مرحوم کریم خان پادشاه عادل زند در شیراز بدست استادان کاشی کارو نقاش ماهر زمان ساخته و پرداخته و در سر در عمارت ارگ وکیل نصب فرموده بود.

آغامحمدخان قاجار از رقابتی که با زندیه داشت آن شاهکار هنری و تاریخی را از جای خود کنده و با کمال دقت به تهران آورده در پیشانی در ورودی کاخ تخت مرمر نصب کردند این بنده مناسب دانستم که همان مجلس هنری و رزم پهلوانی را در جبهه ورزشگاه نصب نماید از حضور شاهنشاه استدعا شد با تبسم و مسرت اجازه فرمودند. خشتهای کاشی با منتهای دقت در بیست و چهار صندوق از اداره بیوتات سلطنتی بمعارف تحویل داده شد و در بالای جبهه غربی عمارت نصب گردید.

(این صحنه زیبای صنعتی که از هر حیث کمال امتیاز را داشت و افزون از ۱۵۰ سال از عمر آن می‌گذشت متأسفانه در اثر بی خبری و جهالت بعضی از متصدیان در موقع تعمیر ثانوی ورزشگاه دستخوش تیشه و کلنگ بیرحمانه کارگران شده بیک طرفه العین محو و نابود شد.)

* * *

یکی از ابتکارات بزرگ شاهنشاه که در پائیز همان سال ۱۳۱۳ بوجود آمد امری بود که در تربیت جسمانی و تکمیل نیروی بدنی جوانان مؤثر بود و هم ملکه انضباط و عادت به نظم را در دماغ و فکر آنان پرورش می‌داد.

روزی از روزهای همان سال دو نفر از افسران ستاد بوزارت معارف آمده و از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ابلاغ کردند که مقرر شود شاگردان مدارس تعلیمات مقدماتی نظامی را بیاموزند و مشق پیاده نظام وصف بندی نمایند و برای رژه سالیانه سوم اسفند آماده باشند.

این جانب امر مبارک را با کمال شوق استقبال کرده و قرار گذاشتم دانش آموزان دوره دوم متوسطه و دانشجویان مدارس عالیّه (طب- حقوق- دارالمعلمین عالی) دونیم روز در هر هفته در میدانهای ورزشی حاضر شوند و در تحت تعلیمات افسران مربی که ستاد ارتش معرفی کردند عملیات ابتدائی نظام را آموخته و تمرین نمایند. این برنامه شروع گردید بعضی مدارس که در این کارنو آمین اندک تامل و مسامحه مشهود شد شدیداً مورد بازخواست قرار گرفتند صدها نفر جوان مدارس که هم در سال قبل بلباس متحد الشکل (کت و شلوار پارچه وطنی خاکستری رنگ و یقه سفید) ملیس شده بودند با نظم تمام در چهارمیدان ورزشی حضور یافته به تمرین و مشق پرداختند این تمرینات در طول مدت زمستان مرتباً ادامه داشت و بالاخره برای روز سوم اسفند آماده رژه شدند.

بعد از ظهر آن روز مبارک و میمون بعد از آنکه رژه افواج نظامیان و ارتش پایان یافت نوبت بافواج دانش آموزان رسید - ابتدا جوخه پیش آهنگان با کلاه و لباس مخصوص و کراواتهای سه گوش که در هر گوشه آن برمز پیوستگی آنها سه چیز مقدس: خدا- شاه- میهن گرهی زده بودند با موزیک مخصوص خودشان بطرز منظم از مقابل چادر جایگاه- مخصوص سلطنتی عبور کردند. سپس دستجات دانش آموزان مدارس هر کدام با پرچم و نشان آموزشگاه نمودار شدند افزون از هزار نفر با قدمهای منظم در صفهای مرتب رژه رفتند این منظره شور انگیز دور نمای آینده نسل جوان را نشان می داد نه تنها شاهنشاه را تحت تأثیر قرار داد که بی اختیار اشک عاطف در چشمان ایشان نمودار گردید بلکه در دل هزارها نفر مدعوین و تماشاگران که همه شاهد و ناظر آن منظره امید بخش و جان پرور بودند موجی از هیجان و عواطف برانگیخت که همه بی اختیار دست زده و ابراز احساسات کردند.

بعد از خاتمه رژه شاهنشاه بزرگ بسوی این بنده ضعیف که در خدمت ایشان ایستاده بودم متوجه شده و مرا مورد ملاحظت و اکرام قرار داده و بدرجه وزارت ترفیع بخشیدند.

* * *

در مهرماه ۱۳۱۵ که والا حضرت ولیعهد (شاهنشاه آریا مهر) بعد از فراغت از تحصیلات عالیّه خود در سویس بوطن باز آمدند جنبشی دیگر در امر تربیت بدنی و ورزشی و پیش آهنگی بظهور پیوست و جانی از نو در قالب آن دمیده شد ایشان به نفس نفیس ریاست عالیّه ورزش و تربیت بدنی و سازمان پیش آهنگی را قبول فرمودند و رهبری آن امر پرورش سودمند ملی را به کف کفایت شخص خود گرفتند. افتتاح ساختمان ورزشگاه امجدیه در مهرماه ۱۳۱۵ در حضور ایشان بعمل آمد و از آن پس وزارت معارف با شورو شوقی تازه به این خدمت فرخنده مشغول شد و از آن پس تا کنون که عهد همایون شاهنشاه آریا مهر است همچنان این عنایت مستدام و برقرار و مردم ایران از برکات آن بهره ور و بر خوردارند.

* * *

در پایان این یادداشت چند بیتى از يك چكاهم غسرا كه شادروان استاد بهار (ملك الشعرا) در تاريخ بناى ورزشگاه امجديه سروده‌اند و در آن از خصائل شريفه پهلوانى و رادمردى و نيرومندى وصفى بسزا كرده‌اند ياد مى‌كنم كه از آن روزهاى تاريخى بهترين يادگار باشد :

در اين چكاهم كه سراسر به بحر تقارب و به فارسى ناپ‌سروده شده‌مى‌فرمايند:

تن زنده والا بورزندگى است	كه ورزش گراى و سرافراز باش
بورزش گراى و سرافراز باش	به سختى دهد مرد آزاده تن
به سختى دهد مرد آزاده تن	چنان چون سرانجام ورزشگى
چنان چون سرانجام ورزشگى	كسى كو توانا شد و تند دست
كسى كو توانا شد و تند دست	هنر جوى تا كام يابى و ناز
هنر جوى تا كام يابى و ناز	ز ورزش مياساى و كوشنده باش
ز ورزش مياساى و كوشنده باش	درخشيدن اين بلند آفتاب
درخشيدن اين بلند آفتاب	نهبالى به تن گر نجيبى زجاي
نهبالى به تن گر نجيبى زجاي	نياكانت را ورزش آن مايه داد
نياكانت را ورزش آن مايه داد	تو نيز از نياكان بياموز كار
تو نيز از نياكان بياموز كار	شهنشاه ايران زمين پهلوى
شهنشاه ايران زمين پهلوى	ز بهر تو ورزشگه‌يى كردر است
ز بهر تو ورزشگه‌يى كردر است	چو دستور او حكمت اين پي‌فكند
چو دستور او حكمت اين پي‌فكند	به حكمت برآزد چنين كار كرد
به حكمت برآزد چنين كار كرد	بماند اين سخن يادگار از بهار
بماند اين سخن يادگار از بهار	بمروز بنياد اين كاخ گفت :

كه ورزشگى مايه زندگى است
 كه فرجام سستى سرافكندگى است
 كه پايان تن پرورى بندگى است
 دليرى و مردى و ارزندگى است
 خرد را به مغزش فروزندگى است
 كه جويندگى راه يسابندگى است
 كه بنياد گيتى بكوشندگى است
 ز بسيار كوشى و گردندگى است
 كه باليدن تن ز جنبندگى است
 كه شهنامه ز ايشان بتابندگى است
 اكن در سرت شور سرزندگى است
 كز آن خسروانش نمايندگى است
 كه چون گردگردون برخشندگى است
 خرد گفت هان روز گويندگى است
 كه دانندگى با برازندگى است
 كه تا روزگارانش پاييندگى است
 « تن زنده والا بورزندگى است »

۱۳۱۴

